

بررسی مرور زمان در برخی از کشورهای جهان

سیده رزیتا هاشمی زاده^۱

نام نویسنده مسئول:

نام و نام خانوادگی

سیده رزیتا هاشمی زاده

چکیده

مرور زمان به معنی گذر زمان است و سبب ایجاد وضعیت حقوقی جدید و مخصوصی می‌شود و یکی از تأسیسات حقوقی اروپایی می‌باشد. پدیده‌های اجتماعی که امور واقعی هستند، به خودی خود ناهنجار نیستند، بلکه پاره‌ای از آنها به مرور زمان و بروز آثار زیان بار، به ویژه در مورد تعرض به حیات حقوق بشر و ارزش‌های اجتماعی، ناهنجار یا جرم تلقی می‌شوند. مبنای مرور زمان نوعی مصلحت اندیشی همراه با ایجاد نظم در رابطه اجتماعی است. مقررات مرور زمان چون مولود ضروریات اجتماعی انسانهاست لذا اختصاص به فرهنگ، جامعه و کشور خاصی ندارد، شبیه بسیاری از مقررات و قوانین دیگر که قرن‌ها در جوامع متفاوت و مختلف انسانی بدون تقلید، حاکم بوده است. در این تحقیق جایگاه این تأسیس حقوقی را در حقوق بعضی کشورها مورد توجه قرار می‌دهیم.

واژگان کلیدی: مرور زمان، حقوق بشر، جرم

مقدمه

وقتی جرمی رخ می‌دهد، جامعه دچار نگرانی و تشویش می‌شود. یکی از دلایل تعقیب مجرم و اجرای مجازات، پاسخ به این نگرانی است، اما اگر جرم فراموش شد و از سوی مجرم به موقع مورد تعقیب قرار نگرفت، تعقیب مجدد وی بعد از گذشت مدت طولانی، جامعه را بار دیگر در حالت تشویش و نگرانی فرو می‌برد. بنابراین، عملاً اعمال مجازات به اهدافی که برای آن در نظر گرفته شده، مغایرت پیدا می‌کند.

مرور زمان یکی از اصولی است که نظام‌های مختلف حقوقی بر آن صحه گذارده‌اند. اگر مدت زمان مشخصی از ایجاد حقی که مورد اختلاف قرار گرفته و یا جرمی که واقع شده است بگذرد و ذی‌نفع و یا شاکی خصوصی احقاق حق خود و یا مجازات مجرم را طلب نکند، عرف، عقل و مصالح اجتماعی باعث تصویب قوانینی در نظام‌های حقوقی دنیا شده‌اند که طبق آن‌ها دستگاه قضایی نمی‌تواند برای دریافت حق ذی‌نفع و یا مجازات مجرم وارد عمل شود. مرور زمان از مسایل عقلی است که وجود آن در هر نظام حقوقی، موجب ایجاد نظم و دقت در رسیدگی می‌شود.

گذشت زمان می‌تواند در تعقیب مجرم و اجرای مجازات مؤثر باشد. با گذشت زمان، اضطراب ناشی از ارتکاب جرم که دامنگیر جامعه شده است، تسکین می‌یابد، جامعه، جرم را به تدریج به دست فراموشی می‌سپارد و به این علت، تعقیب متهم و مجازات او سبب می‌شود که خاطره ارتکاب جرم دوباره در اذهان عمومی زنده شده، آلام ناشی از اختلال در نظر عمومی که بر اثر گذشت زمان التیام پذیرفته، بار دیگر احیا و احساس عدم امنیت در شهروندان زنده شود. (آشوری، ۱۳۹۰: ۱۶۳)

هدفی که در همه مجازات‌ها مدنظر می‌باشد اصلاح مرتکب و متنبه کردن افراد نسبت به جرم ارتكابی می‌باشد. به عبارتی چه بسا مجازات موجب خطرناک تر شدن مجرم شود. قاضی دادگاه می‌بایستی با توجه به میزان، شدت، انگیزه مرتکب و اقدامات و اظهارات او در جهت کاهش آثار جرم و دلجویی و جبران خسارت زیان دیده به این نتیجه برسد که صدور تعویق برای او جنبه اصلاحی بیشتری نسبت به صدور زندان دارد.

۲- پیشینه تاریخی مرور زمان

هرچند از نگاه تاریخی زمان دقیقی برای تأسیس قاعده مرور زمان، در علم حقوق معین نشده است، اما برخی باور دارند که زمان تحقق آن پیش از تولد حقوق رومی است. (الامین، ۲۱۱: ۱۹۹۳) ولی دیدگاه بیشتر دانشمندان آشنا به حقوق و مسایل حقوقی این است که آغازین سیستم حقوقی که مرور زمان در آن به صورت رسمی مطرح گردیده، حقوق رومی است. یکی از نویسندگان می‌نویسد این واژه جدید است زیرا حکایت از گذشته نمی‌کند. این قاعده از قوانین سولون^۱ مقنن رومی و از قوانین الواح دوازده گانه (۴۵۰-۴۴۹ ق.م) بوده که بوسیله دسومبر^۲ (ده نفر از قضات برجسته آن کشور) که مأمور مخصوص جمع‌آوری قوانین بودند گرفته شده است. (سرمدی، ۱۳۱۶: ۲۴)

نخستین قانون رومی که قاعده مرور زمان را پذیرفته و سپری شدن پنج سال را مسقط و پاک کننده بزه زنا می‌داند، قانون ژولیا^۳ می‌باشد. (واعظی، ۱۳۵۴: ۷) قاعده مرور زمان به عنوان یک قاعده حقوقی در آن زمان به معنی کلمه (اوزوکاپیون^۴) (تصرفات مادی) استعمال می‌شد. امپراطورهای قبل از ژوستی - نین، این رویه را مجاز دانسته و اوزوکاپیون را به مالکیت حقوق مدنی و مرور زمان را به مالکیت فطری و طبیعی اطلاق می‌کرد. ولی ژوستی - نین عموم این مشخصات را رد کرده و همه ویژگی‌های اوزو کاپیون به مرور زمان منتقل گردید، به خاطر قوانین ژوستی نین مدت مرور زمان سی یا چهل سال بود. (پاشا، ۱۳۴۸: ۱۸۸)

بر خلاف رویه برخی کشورها که مرور زمان را مسقط حق و جزء اسباب تملک در قانون مدنی مورد قبول قرار داده‌اند (به موجب ماده ۲۲۶۲ قانون مدنی فرانسه با حصول مرور زمان که مدت آن سی سال است متصرف نسبت به اموال منقول و غیر منقول، حق عینی اصلی پیدا می‌کند و مرور زمان در این کشور و بعضی کشورهای دیگر مانند عقود یا ارث، جزء اسباب تملک به حساب می‌آید مقررات مرور زمان در

^۱.Solonn

^۲.Decemvirss

^۳.Julia

^۴.Usucapionn

قوانین شکلی پیش بینی و بدون تأثیر بر استحقاق افراد نسبت به اموال و حقوق آنها فقط حق دعوی و توسل به حاکمیت و دستگاه دادگستری برای احقاق حقوق مورد ادعای افراد را تحت شرایطی ساقط می کرد.

۳- تعریف (لغوی و مفهومی) مرور زمان

مرور زمان در فرهنگ حقوقی عرب، اغلب با عنوان التقادم و گاه مرور الزمن یا مضي المدة بیان می شود (ساریخانی، ۱۳۷۹: ۵۲۹)

در حقوق فرانسه پرسکو پیسیون^۵ معادل مرور زمان است، که معنای لغوی آن سرلوحه است و در زبان انگلیسی آن را لی می تیشن و (lapse of time) یعنی تحدید می گویند و معادل آن در زبان آلمانی فریه-رونک (Verjahrung) می باشد که معنای لغوی آن، ریشه دواندن و مزمن شدن است.

ارائه تعریفی واحد از مرور زمان که همه مصادیق آنرا دربر گیرد و جامع و مانع باشد ممکن نیست و لذا تعریف جامعی از مرور زمان در قوانین و نوشته های علمای حقوق دیده نمی شود و از این عبارت در قوانین مختلف کشورها بر حسب خصوصیات که دارد تعاریفی مختلف شده است و در حقیقت از هر تعریفی نوع خاصی از مرور زمان ارائه شده است.

بنابر تعریفی که در قانون مدنی فرانسه از مرور زمان شده است مرور زمان وسیله تملیک یا برائت ذمه است بر اثر گذشتن مدتی معین با شرایطی که قانون معین کرده است. (مدنی، ۱۳۸۵: ۶۲۴)

در این تعریف مرور زمان از حیث آثار و نتایج، ایجاد کننده حق یا ساقط کننده آن مطرح شده است که اولی (مرور زمان مملک) و دومی (مرور زمان مسقط) شناخته می شود. وجه مشترک این دو نوع، آن است که هر دو بر روی حق تأثیر گذارند، اگر چه یکی ایجاد کننده حق است و دیگری از بین برنده آن. طبق این تعریف، گذشت زمان مملک یا مسقط حق است و واقعاً غاصب را ذی حق و مدیون را بری الذمه می کند.

پروفسور رنه گارو در تعریف و تفکیک اقسام مرور زمان معتقد است که در حقوق مدنی دو نوع مرور زمان داریم یکی مرور زمان تصرف و دیگری مرور زمان برائت، اما در حقوق جزا مرور زمان ها، قاطع تعقیب و موجب رهایی متهم از مجازات ها هستند. حقوق اجتماعی مقتضی تعقیب متهم و سپس مقتضی اجرای مجازات بعد از محکومیت است و مرور زمان هر دو اقدام فوق را تعطیل و متوقف می سازد. (گارو، ۱۳۸۴: ۶۴۷)

مرور زمان لفظی است که قانون گذاران در کشورهای مختلف آن را بر معانی متفاوتی وضع می کنند و تعریفی که در حقوق کشوری از این عبارت ارائه می شود بر اساس اوصاف و آثاری که در قوانین همان کشور از مرور زمان آورده اند استوار است و به علاوه انواع مختلف مرور زمان در حقوق کارکرد و آثار متفاوت و در نتیجه تعریف غیر واحدی نیز دارند. اما شاید با مسامحه بتوان مرور زمان حقوقی را گذشت مدتی دانست که پس از آن مدت تعیین شده در قوانین کشورها، تحت شرایطی که در قانون پیش بینی شده است مراجع مصالح قضائی و قانونی از استماع دعاوی که منشأ آنها به گذشته های دور برمی گردد و تعقیب متهمین به ارتکاب جرم در زمانهای گذشته دور و یا اجرای احکام مدنی یا کیفری که مدتی طولانی از زمان صدور و قطعیت آن گذشته، امتناع کنند و موضوع را مشمول مرور زمان بدانند.

۴- مرور زمان در بعضی کشورها

قدیمی ترین قانونی که ردپایی از مقررات مرور زمان در آن یافت می شود قوانین روم قدیم است. درالواح دوازده گانه که از روم باستان بجا مانده و حاوی موادی چند از قوانین و مقررات حقوقی، کیفری و اجتماعی است مرور زمان تحت عنوان اوزوکاپیون^۶ درامر مالکیت پذیرفته شده است مقررات مرور زمان در این قانون موجب حق حاکمیت بوده است و تصرف متمادی و دراز مدت و بلامعارض افراد نسبت به مال منقول و غیرمنقول موجب تحصیل حق مالکیت برای آنها بوده است. رومی ها این قاعده را در مورد «سسمانسیست»^۷ که عبارت از داشتن حق کامل مالکیت نسبت به اموال بود اعمال می کردند و همچون «ارث» و عقود تملیکی آن را از جمله اسباب تملک به حساب می آوردند

^۵.Prescription

^۶.Limitation

^۷.uzucupion

^۸.Sesmancist

مدت آن را در اموال منقول یکسال و در غیرمنقول دو سال تعیین کرده بودند و تصرف بدون معارض افراد بر اموال مذکور و سکوت دیگران و مدعیان در این مدت با لحاظ امکان طرح دعوی، موجب اکتساب حق مالکیت برای متصرف می‌شد. (گارو، ۱۳۸۱: ۶۵۳)

تا قبل از زمان امپراطوری ژوستینیان^۹ (مقررات مرور زمان ثابت بود در زمان امپراتوری او مدت مرور زمان تغییر کرد و به سه سال در اموال منقول و ده سال در اموال غیرمنقول افزایش یافت و در مورد اموالی که کلیسا مدعی مالکیت بر آن بود مدت صد سال مرور زمان تعیین شد. (سرشار، ۱۸-۱۶)

اولین قانونی که در روم مرور زمان کیفری را پذیرفت قانون ژولیا بود در این قانون مدت ۵ سال بعنوان مرور زمان جرم زنا تعیین شد این مدت تحت تأثیر تعالیم دینی که مدت تطهیر کننده معصیت مذکور و بعضی معاصی دیگر را ۵ سال می‌داند، مورد تصویب قرار گرفت. در این قانون فقط مرور زمان جرم مورد قبول بود و مرور زمان مجازات مورد توجه و تصویب قرار نگرفت با گذشت زمان و تحول تدریجی حقوق روم در زمان امپراطوری ژوستینیان مرور زمان به جرایم دیگر نیز تسری پیدا کرده جرایم به جرایم بزرگ و کوچک تقسیم شد. مدتهای ۲۰ سال بعنوان مرور زمان جرایم بزرگ و ۵ سال برای جرایم کوچک در نظر گرفته شد. (افتخار جهرمی، ۱۳۸۲: ۱۴۸) و جرایم خاصی از قبیل، پدرکشی، مادرکشی، کفر و الحاد، تعویض اطفال نیز از شمول مرور زمان استثناء شده بودند.

قوانین کشورهای اروپایی بیشتر تحت تأثیر حقوق روم قدیم تدوین می شدند و اصولی از حقوق روم قدیم در حقوق کشورهای مذکور یافت می شود و حقوق کشور فرانسه بیشترین تأثیر را از آن پذیرفته است و لذا به مرور زمان در حقوق کشور اخیر و بعضی کشورهای دیگر جهان می پردازیم. (گاستون، ۱۳۸۰: ۴)

۴-۱ فرانسه: همانطوریکه ذکر شده حقوق فرانسه در بسیاری موارد از جمله مقررات مرور زمان از حقوق و قوانین روم الهام گرفته است این قوانین از مقررات بجامانده در الواح دوازده گانه و قوانین سولون مقنن یونانی بوسیله هیئتی متشکل از ده نفر قضات برجسته بنام دسموبر جمع آوری و تدوین شدند.

در دوران سلطنت تئودر کبیر در سال ۱۴۲۴ میلادی، دعاوی در اموال، دعاوی عینی، شخصی و مختلط مشمول مرور زمان می‌شدند و در اموال کلیسا نیز مدت مرور زمان صد سال تعیین شده بود. در حقوق قدیم فرانسه مرور زمان جنایات از حقوق روم اقتباس و مدت آن بیست سال تعیین شده بود و بعضی از جرایم مثل جنایات ضد رئیس مملکت و زنا، دارای مرور زمان پنج ساله بوده و بعضی جرایم سبکتر مثل اهانت پس از یکسال مشمول مرور زمان می شدند. (گاستون، ۱۳۸۰: ۵۱)

در قانون دآوری کیفری ۱۸۰۸ فرانسه که از طرح قانونی ۱۷۹۱ سال چهارم جمهوریت الهام گرفت مرور زمان جرم (دعوی عمومی) و مرور زمان مجازات هر دو در حقوق فرانسه پذیرفته شدند. در قوانین فعلی این کشور صرفنظر از جرایمی که مرور زمان خاصی در تعقیب یا مجازات دارند (در قوانین بسیاری از کشورها بعضی جرایم از نظر مدت از شمول مقررات عام مرور زمان جرم خارج و دارای شرایط و مدت خاصی هستند که در بحث اقسام مرور زمان، این را مرور زمان خاص نامیده ایم. در کشور فرانسه جرم توهین با سه ماه مرور زمان، جنایات تروریستی و قاچاق مواد مخدر با سی سال و جنجه‌های قاچاق مواد مخدر با بیست سال مرور زمان از مقررات کلی مرور زمان دعوی عمومی استثناء شده‌اند). بطور کلی مرور زمان دعوی عمومی که در مواد ۷، ۸ و ۹ قانون دادرسی کیفری اعلام و تشریح شد در جنایات ده سال، برای جنجه ها سه سال و برای جرایم خلافی یک سال تعیین شده است و مدت مرور زمان دعوی عمومی و مرور زمان مجازات برخلاف آنچه که اکنون در قوانین کشور ما وجود دارد، در حقوق کیفری فرانسه یکسان نیست و این بدلیل تفاوت‌های منطقی است که بین این دو نهاد حقوقی وجود دارد و لذا برخلاف مرور زمان دعوی عمومی، مهلت های مرور زمان مجازات بطور کلی در جنایت بیست سال، جنجه پنج سال و خلاف دو سال است (لارگیه، ۱۳۸۸: ۱۰۸ و گاستون، ۱۳۸۰: ۱۷۸) که البته بطور خاص در بعضی موارد مرور زمانهای ویژه‌ای نیز وجود دارند.

در حقوق مدنی فرانسه نیز مرور زمان به عنوان عامل موجد حق و عامل مسقط حق در امور مالی پذیرفته شده است و در قانون مدنی آن کشور به عنوان سبب تملک و جزاسباب سقوط تعهدات از آن یاد شده است و برای تعهدات خارج از قرارداد بموجب ماده ۱-۲۲۷۰ قانون پنجم ژوئیه ۱۹۸۵ میلادی، دعاوی ناشی از آن، مدت مرور زمان دو سال تعیین شده است و مقنن قانون مدنی فرانسه بطور صریح مرور زمان را از عوامل تملک و در ردیف معاملات و ارث قرار داده است و نوعی از مرور زمان را نیز مانند ابراء و تهاتر از اسباب سقوط تعهدات

برشمرده است و چنین تعریف کرده است «مرور زمان وسیله تملک و یا براءت ذمه است، بر اثر گذشتن مدتی و با شرایطی که قانون معین می کند.» (مدنی، ۵-۶۲۴ و سرشار، ۴۶۵).

۴-۲ آلمان: در قرون ۱۵ و ۱۶ در قوانین جزایی آلمان فقط مرور زمان دعوی عمومی پذیرفته شده بود و مرور زمانی برای مجازات نبود. با تصویب ماده ۶۷ قانون جزای این کشور مرور زمان جرم و مجازات پذیرفته شده است. مرور زمان جرم در این کشور نسبت به جنایات مستوجب اعدام یا حبس ابد، بیست سال، مجازاتهای سالب آزادی (انواع حبس و تبعید) بیش از ده سال، مدت پانزده سال و در مجازاتهای کمتر، ده سال میباشد. در قوانین جدید مرور زمان جنایات در آلمان به تناسب درجه قصد یا اراده جنایتکاران بین بیست تا سی سال می باشد و جنایات ژنوسید (کشتار جمعی) از شمول مرور زمان جرم و مجازات استثناء شده اند. (گارو، ۱۳۸۱: ۶۵۵).

در دعاوی مدنی نیز مرور زمان به عنوان عامل تملک و عامل مسقط حق پذیرفته شده است. عبارت ورژرنی^{۱۰} در حقوق آلمان به مرور زمان مدنی گفته می شود این کلمه در لغت به معنای ریشه دوانیدن و مزمن شدن آمده است و مقصود از آن وضعیت متصرف نسبت به مال است که در طول زمان ایجاد شده است. (سرشار، ۱۳۸۷: ۶-۸)

۴-۳ ایتالیا: در این کشور نیز نخستین قانونی که مرور زمان در امور کیفری را پذیرفت قانون ژولیا^{۱۱} بود که براساس آن وفق باورهای مذهبی، مرور زمان پنج ساله ای را برای جرم زنا وضع نمود در تغییرات بعدی نیز این کشور مقررات مرور زمان را در حقوق کیفری خود پذیرفت و احکام متعددی در این خصوص تصویب شد ابتکاری که قانونگذار آن کشور در ماده ۱۷۲ قانون مجازات ایتالیا بکار برده اینست که از حیث اعمال یا عدم اعمال مقررات مرور زمان، علاوه بر تقسیم جرایم، مجرمین را نیز تقسیم کرد با این توضیح که اعمال مرور زمان را فقط نسبت به مجرمین اتفاقی پذیرفته و نسبت به تعقیب و مجازات مجرمین فطری و به عادت مرور زمان جاری نمی شود. (گارو، ۱۳۸۱: ۶۵۳)

۴-۴ انگلستان: در این کشور بموجب قوانین کامن لو^{۱۲} تعقیب جرم هیچگاه مشمول مرور زمان نمی شود، (آخوندی، ۱۳۷۵: ۲۵۵) اما در حقوق مدنی مرور زمان مسقط در بعضی از حقوق شخصی عینی پذیرفته شده است و نوع دیگری از مرور زمان مدنی «پرسکریپشن»^{۱۳} یا مملک نیز در حقوق این کشور مورد قبول واقع شده است. (سرشار، ۱۱)

۴-۵ سوریه: در قوانین کیفری این کشور نیز مرور زمان جرم و مجازات پذیرفته شده است با ملاحظه مواد ۴۳۷ الی ۴۴۳ قانون اصول محاکمات جزایی و مواد ۱۶۱ الی ۱۶۷ قانون مجازات این کشور معلوم می شود که سه نوع مرور زمان کیفری به عبارت مرور زمان شکایت، تعقیب و مجازات در قوانین کیفری سوریه وجود دارد. مدت مرور زمان شکایت و تعقیب مساوی است و در جنایات ده سال است که به ترتیب از تاریخ وقوع جنایت و تاریخ آخرین اقدام تعقیبی به حسب مورد محاسبه می شود، این مدت در جنحه سه سال و در امور خلافی یکسال است. (آشوری، ۱۳۹۰: ۱۸۳)

۴-۶ لبنان: در حقوق جزای این کشور عربی نیز مرور زمان جرم و مجازات مورد قبول مقنن قرار گرفته است. مواد ۴۳۸ الی ۴۴۴ قانون اصول محاکمات جزایی و مواد ۱۶۲ الی ۱۶۵ قانون مجازات لبنان به ترتیب به بیان احکام مرور زمان دعوی عمومی (تعقیب) و مرور زمان مجازات اختصاص دارد.

در قوانین جزایی این کشور برخلاف کشورهای دیگر اساس تعیین مدت مرور زمان، مجازات قانونی نیست بلکه مجازاتی است که محکوم علیه به آن محکوم شده است و لذا مدت مرور زمان مجازات در اعدام و حبس ابد ۲۵ سال، در مجازاتهای جنایی حبس غیر دائم مدت مور زمان دو برابر محکومیت محکوم علیه به شرطی که این مدت (مدت مرور زمان = مدت محکومیت) از بیست سال تجاوز نکند و از ده سال کمتر نشود، و مدت مرور زمان بقیه مجازاتهای جنایی مانند تبعید ده سال است، (ماده ۱۶۳ قانون مجازات) و مرور زمان مجازاتهای جنحه ای سالب آزادی (مثل حبس) عبارت از دو برابر مدت محکومیت در حکم صادره از دادگاه است به شرطی که این مدت از ده سال بیشتر و از پنج سال کمتر نشود، و این مدت در مجازاتهای جنحه ای دیگر پنج سال است.

^{۱۰}. VERJHRUNY

^{۱۱}. Huide Aduttris

^{۱۲}. Common Law

^{۱۳}. Prescription

ابتکاری که در حقوق این کشور بکار برده شده آنست که برخلاف اکثر کشورها که میزان مجازات قانونی را مبنای تعیین مدت مرور زمان مجازات قرار داده‌اند در این کشور مجازاتی که در حکم دادگاه بر محکوم علیه وضع شده را اساس اعمال انواع مرور زمان مجازات از حیث مدت آن قرار داده‌اند. و نوع جرم و میزان مجازات قانونی را فقط در تعیین مرور زمان تعقیب اساس دانسته‌اند. (نجیب حسینی، ۱۳۸۴: ۸۶۳)

۴-۷ نکته ای که یادآوری آن ضرورت دارد اینست که علیرغم قبول مرور زمان کیفری در اکثر کشورهای جهان، در سطح بین‌المللی براساس قراردادهایی که بیشتر کشورها آن را پذیرفته‌اند، بعضی جرایم مهم از شمول مرور زمان خارج شده‌اند جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت، جنایت علیه صلح و جنایت کشتار جمعی از جمله جرایمی است که مرور زمان در آنها جریان ندارد مسئله تشکیل یک مرجع قضایی کیفری بین‌المللی جهت رسیدگی به جرایم خطیر مورد اهتمام جامعه بین‌المللی و مدت‌ها مورد توجه و بحث حقوقدانان، شخصیت‌های سیاسی، دولتها و نهادهای بین‌المللی بود تا اینکه در تاریخ هفدهم ژوئیه ۱۹۹۸ میلادی معادل ۲۵ خرداد ۱۳۷۷ ه.ش، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در شهر رم، ایتالیا به تأیید نمایندگان ۱۲۰ کشور رسید و این درحالیست که اساسنامه مذکور پس از تأیید و تصویب ۶۰ کشور لازم الاجرا خواهد بود.

در ماده ۵ اساسنامه دیوان جرایمی که دیوان مذکور صلاحیت رسیدگی به آنها را خواهد داشت بیان شده است این جرایم عبارتند از:

الف) نسل کشی (ماده ۶ اساسنامه) ب) جنایات ضد بشریت (ماده ۷ اساسنامه ج) جنایات جنگی (ماده ۸ اساسنامه) د) جنایت تجاوز (بند ۲ ماده ۵ اساسنامه). براساس ماده ۲۹ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی جرایمی که ذکر شد مشمول مرور زمان نخواهد شد. (عالیه، ۱۹۹۶: ۴۷۶)

قبل از تصویب اساسنامه دیوان نیز قراردادهای بین‌المللی متنوعی در خصوص عدم شمول مرور زمان نسبت به جرایم بزرگ و بین‌المللی منعقد و کشورهای زیادی آنرا تصویب کردند. کشورهایی که این قراردادها را پذیرفته‌اند مقررات مربوط به عدم شمول مرور زمان نسبت به جنایات موردنظر را در حقوق داخلی خود وضع و تصویب کردند. لهستان و فلسطین اشغالی (اسرائیل) اولین کشورهایی بودند که جهت زمینه سازی برای تعقیب جنایتکاران نازی، مقررات نفی مرور زمان در جرایم بین‌المللی را در قوانین جزایی خود وارد کردند. در ماده ۱۲ قانون سال ۱۹۵۰ میلادی یا صلاحی سال ۱۹۶۳ فلسطین اشغالی، جنایات علیه قوم یهود، جنایات جنگ، جنایات ضد بشریت و جنایاتی که نسبت به افراد به دلیل تعلق آنها به یک گروه ملی، نژادی و مذهبی یا سیاسی، واقع شوند از شمول مرور زمان کیفری استثناء شده‌اند. در لهستان نیز در طول جنگ جهانی دوم با صدور فرمانی جنایات مذکور در مواد ۸۶ و ۸۷ قانون جزا که همان جنایات بین‌المللی هستند از شمول مرور زمان استثناء شده‌اند. چکسلواکی، مجارستان و اکثر کشورهایی که قراردادهای بین‌المللی و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی را تصویب کرده‌اند موضوع عدم شمول مرور زمان نسبت به جرایم بین‌المللی را رد قوانین داخلی خود آورده‌اند. در آلمان نیز در حال حاضر مرور زمان شامل جنایات ژنوسید (کشتار جمعی) نمی‌شود.

براساس قانون سال ۱۹۶۴ فرانسه جنایات علیه بشریت هم از جهت تعقیب و هم از جهت مجازات مشمول مرور زمان نمی‌شود. جنایات ضد بشریت در ماده ۶ اساسنامه دادگاه بین‌المللی ۸ اوت سال ۱۹۴۵ چنین تعریف شده است. جنایات ضد بشریت عبارتند از «قتل، نسل کشی، به بردگی گرفتن، تبعید و هر عمل ضد بشری ارتكابی بر علیه مردم غیر نظامی قبل یا در طی جنگ...»

۵- مرور زمان در اقدامات تأمینی و تربیتی^{۱۴}:

اقدامات مذکور در واقع باید از جمله دست آوردهای جرم شناسی و راه حل‌های پیشنهادی مکتب تحقیقی ایتالیایی برای خنثی کردن حالت خطرناک، مقابله با مجرمین به عادت و پیشگیری از تکرار جرم دانست. این تدابیر و اقدامات از اواخر قرن نوزدهم مورد توجه نظامهای حقوق کیفری جهان قرار گرفت. اولین بار این اقدامات به ابتکار کارل اشتوس استاد سوئسی حقوق کیفری، از طریق شرحی که وی در سالهای ۱۸۹۳-۱۸۹۲ میلادی برای قانون جزای سوئیس تهیه و ارائه کرده بود وارد حقوق جزای سوئیس شد و به واکنش سنتی جوامع به جرایم، یعنی مجازات ضمیمه گردید. (قاسمی، ۱۳۸۳: ۱۹۷)

۶- عطف به ماسبق کردن مقررات مرور زمان

^{۱۴} Security and Education Measures.

در مورد عطف بماسبق کردن مقررات مربوط به مرور زمان همه دانشمندان در یک امر اتفاق عقیده دارند و آن اینکه هرگاه به هنگام تصویب قانون جدید، مهلت های پیش بینی شده در قانون سپری شده باشد، حق مکتسبی برای متهم حاصل گردیده و به هیچ وجه نمیتوان قانون جدید را ولو آنکه مهلت ها را تغییر داده باشد شامل این دسته از متهمین نمود. علمای حقوق به دودسته موافق و مخالف تقسیم میشوند. موافقین عطف بماسبق کردن قوانین جدید مدعی هستند که اولاً مقررات مربوط به مرور زمان در بسیاری از کشورها از جمله در کشور فرانسه در قوانین آئین دادرسی کیفری پیش بینی شده است و چون قوانین آئین دادرسی کیفری عطف بماسبق میشوند لذا قوانین مربوط به مرور زمان هم باید عطف بماسبق شوند. ثانیاً مقررات مربوط به مرور زمان حق متهم نیست بلکه گذشتی است که جامعه نسبت به مجرمین اعمال می نماید. جامعه تصمیم میگیرد که هرگاه جرمی در مهلت های پیش بینی تعقیب نگردد و یا حکمی به موقع اجرا گذاشته نشود، تعقیب و یا اجرا حکم موقوف بماند.

برخی دیگر از دانشمندان با این عقیده مخالفند. آنان معتقدند که مرور زمان از قوانین ماهوی است نه قوانین شکلی و دادرسی. در کشور فرانسه که با قوانین کشور ما شباهت کامل دارد نیز رویه واحدی اتخاذ نشده است. تا سال ۱۹۳۱ رویه قضائی فرانسه با نظریات دانشمندان دسته اخیر یعنی عطف بماسبق نکردن قوانین جدید مطابقت داشت. ولی در سال ۱۹۳۱ دیوان عالی کشور فرانسه تصمیم جدیدی برخلاف نظریات خود اتخاذ کرد و صراحتاً حکم داد که قوانین مربوط به مرور زمان از قوانین آئین دادرسی کیفری بوده و باید بلافاصله اجرا شوند، اعم از اینکه در این اجرا وضع متهم وخیم تر و یا بهتر گردد. این جریان تا سال ۱۹۵۶ ادامه داشت و در آن سال مجدداً دیوان کشور فرانسه از نظریه خود عدول نمود و در مورد مرور زمان اجرای مجازات حکم چنین نظر داد که مرور زمان مجازات تابع قانونی است که در زمان صدور حکم قطعی قابلیت اجرا داشته است.

۷- نقد مرور زمان کیفری

علیرغم این حقیقت که مرور زمان کیفری با استثنائات و شرایط متفاوت در بسیاری از نظامهای حقوقی و کشورهای جهانی پذیرفته شده و احکام متنوعی در قوانین این کشورها در بیان انواع و چگونگی تأیید این تأسیس حقوقی بر جرایم و مجازاتها، وضع و تصویب شده است، در خصوص میزان مقبولیت آن در بین اندیشمندان و صاحب نظران اتفاق نظر وجود ندارد و بطور جدی مورد دفاع و ایراد است. عدهای آن را برای تأمین پاره‌ای از اهداف حقوقی و اجتماعی ضروری می شمارند و حذف آنرا از حقوق کشورها موجب بروز بی‌نظمی در دادرسی و روابط اجتماعی می دانند و عدهای نیز با طرح بحثهای غالباً فلسفی و تئوریک محض و ترتیب و تنظیم معادلات منطقی، نتیجه می گیرند که مرور زمان کیفری با اصول و اهدافی که حقوق جزا در پی آنست سازگار نیست و ورود مقررات مربوطه را در حقوق و قوانین جزایی کشورها نمی پسندند.

۸- نتیجه گیری

از آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت که مرور زمان از جمله موضوعات حقوقی است که دلایل قابل قبولی در نفی و اثبات آن از سوی حقوقدانان و جرم‌شناسان ابراز شده است یعنی هم نظراتی که در دفاع از مرور زمان بیان می شوند و هم نظراتی که در رد آن ابراز می شود اغلب درست و در جای خود صحیح به نظر می رسند ولی حقیقت اینست که مرور زمان خود را به نظامهای اجتماعی و حقوقی کشورها تحمیل می کند و گریزی از آن نیست.

علیرغم ایرادات و انتقاداتی که نسبت به مرور زمان کیفری به عمل می آید اکثریت قاطع کشورهای جهان آنرا پذیرفته و در سیستم جزائی کشورشان و قوانین کیفری وارد کرده‌اند.

مرور زمان کیفری در نظامهای حقوقی و اجتماعی کشورها یک گزینه انتخابی نیست تا بشود با استدلال منطقی و فلسفی آنرا نفی کرد تعقیب و مجازات مجرمین مطلوب همه کشورها و نظامهای حقوق کیفری جهان است، اما بروز برخی معذوریت ها موجب می شود که اکثر کشورها مرور زمان کیفری را در قوانین خود بپذیرند.

آنهايي که به هر دليل مرور زمان را در تعقیب و مجازات نفی می کنند خطایشان این است که تعطیلی تعقیب و مجازات بواسطه مرور زمان را با فوائد و محاسن تعقیب و اجرای مجازات مقایسه می کنند و بعد به مضر بودن مقررات مرور زمان کیفری حکم می کنند. درحالیکه مرور زمان را باید با فرضی مقایسه کرد که به هر دلیلی حکومت و دستگاه سیاست کیفری از تعقیب و مجازات مجرمی عاجز است و برای سرپوش نهادن بر این عجز و ضعف و جلوگیری از تبعات سوء اجتماعی آن، در قالب مرور زمان حق خویش بر مجرم را می بخشد تا او را رهین منت

خویش ساخته و کرامت و بزرگواری خود را در نظر دیگران جایگزین ناتوانی و عجز خود از اجرای مقررات مربوط به تعقیب و محاکمه و مجازات مجرم سازد.

مراجع

- آشوری، م.، ترجمه قانون اصول محاکمات جزایی سوریه، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
- مدنی، ج.، آئین دادرسی کیفری، چاپ سوم، انتشارات پایدار، ۱۳۸۵.
- قاسمی، ن.، اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق ایران، چاپ سوم، نشر میزان، ۱۳۸۳.
- محمدی، ا.، حقوق کیفری اسلام، حدود و تعزیرات، چاپ سوم، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۶.
- مدنی، ج.، آئین دادرسی مدنی، جلد ۲، چاپ پنجم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۵.
- مهرپور، ح.، سرگذشت تعزیرات، مجله کانون وکلا، شماره ۱۴۸ و ۱۴۹، ۱۳۸۴.
- مهرپور، ح.، مجموعه نظریات شورای نگهبان، جلد سوم، انتشارات مؤسسه کیهان، ۱۳۷۱.
- نجیب حسنی، م.، شرح قانون العقوبات اللبناني، القسم العام، دار النهضة العربیه، ۱۹۸۴.
- ساریخانی، ع.، مرور زمان، مجله مفید، شماره ۱۲، ۱۳۸۳.
- سرشار، م.، سقوط مجازات، مجله کانون وکلا، شماره ۱۱، ۱۳۸۷.
- استفانی، گ.، آئین دادرسی کیفری فرانسه، جلد اول، ترجمه حسن دادبان، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۰.
- لارگیه، ژ.، آئین دادرسی کیفری فرانسه، ترجمه حسن دادبان و اسماعیل زاده، چاپ دوم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۸.
- گارو، ر.، مطالعه نظری و عملی در حقوق جزا، ترجمه دکتر سیدضیاءالدین نقابت، انتشارات حقوقی ابن سینا، ۱۳۸۰.
- الامین، م.ع.، التقادم المكسب للملكیه، انتشارات حلبی، بیروت، ۱۹۹۳.
- سرمدی، م.، مجموعه حقوقی، شماره ۳۴، ۱۳۱۶.
- واعظی، ا.، مرور زمان کیفری از نظر قوانین جزائی سابق و لاحق، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ۱۳۵۴.
- پاشا، ص.ع.، سرگذشت قانون، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.